

مشق شب



ماجرای ایران و رژیم صهیونیستی؟

و نظامی دارند که همه با این شرط و شروط امریکا در تناقض است. به همین دلیل بر این باور هستیم که با کارشکنی‌های امریکا و نوع تفکر و رفتار احزاب متحد نتانیاها، دولت او دیری نخواهد پایید. با این حال، همانگونه که در بالا گفته شد، حضور نتانیاها برای برخی دیگر در عرصه سیاسی می‌تواند فرصت باشد، یکی از این طرف‌ها روسیه است. روس‌ها از زمان جنگ با ناتو در اوکراین روابط تنش‌آلودی را با رژیم صهیونیستی داشته‌اند و این رژیم با وجود آنکه در ابتدا تلاش کرد تا سیاست بی‌طرفی را دنبال کند، اما بالاخره نتوانست این سیاست را ادامه دهد و به صورت کامل در کنار امریکا ایستاد. این مساله باعث دلخوری شدید روس‌ها شد. هر چند سران کرملین تلاش کردند سطح تنش را کنترل کنند، اما یکی از شروط اصلی امریکا در مقابل نتانیاها، مبحث اوکراین و نوع برخورد او با روسیه است.

در حالی که برآورد سازمان‌های امنیتی امریکا و حتی خود رژیم صهیونیستی بر این استوار بود که نتانیاها موفق به کسب رای لازم برای تشکیل دولت نخواهد شد و یابیر لاپید بار دیگر پیروز عرصه انتخابات خواهد شد، بسیاری دیگر در این زمینه سکوت کردند، اما کسانی مانند اردوغان، پوتین، بن سلمان و بن زاید امیدوار بودند که نتانیاها بتواند رای لازم را کسب کند و این اتفاق هم روی داد. در امریکا در مورد نحوه تعامل با دولت جدید رژیم صهیونیستی دعوا بالا است، اما حقیقت امر آن است که کاخ سفید شکست خورده از انتخابات داخلی صهیونیست‌ها که نقشه‌های منطقه‌ای امریکا را به هم زد، توصیه‌های سفت و سختی به نتانیاها کرده و خطوط قرمزی را تعیین کرده که پذیرش هر یک از آن‌ها توسط نتانیاها منجر به شکست دولت او خواهد شد، چرا که احزاب متحد او خواسته‌هایی در مورد شهرک‌سازی، کرانه باختری، مباحث امنیتی

بالاخره بنیامین نتانیاها موفق شد با دادن سهم احزاب تندروی صهیونیستی در کابینه، دولت خود را تشکیل دهد. اینکه خروجی این دولت چه خواهد بود را باید از خلال نوشته‌های رسانه‌های صهیونیستی خواند که مدام در حال عزا‌داری هستند و از اینکه احزاب تندرویی که نماد واقعی و تشکیل دهنده حقیقت راستین صهیونیسم بین‌الملل است وارد عرصه شده و رسماً به قدرت پا گذاشته‌اند به در و دیوار می‌زنند. بنابراین آنچه نتانیاها با اوباش خونخوار صهیونیست تشکیل داده بیش از آنکه مسیری برای آینده بهتر در این رژیم باشد، بشارت‌دهنده سقوط نهایی آن است.

با این حال، برخوردهای خارجی با تشکیل دولت تندرو و راست‌گرای افراطی نتانیاها متفاوت بود.



پس از تشکیل دولت نتانياهو، ولادیمیر پوتین که بسیار فرصت طلب است تماسی تلفنی با او گرفت و خواستار روابط به سطح پیشین شد، اما آیا این درخواست توسط نتانياهو قابلیت اجرایی دارد؟ نخست وزیر رژیم صهیونیستی هر چند پس از سه دهه حضور در عرصه سیاسی بسیار پخته شده و از پشتوانه قدرتمند اطلاعاتی و روابط امنیتی با بسیاری از کشورها برخوردار است، اما در نهایت ۸۰ درصد این روابط در واشنگتن خلاصه می شود، یعنی آنکه رژیم صهیونیستی نمی تواند سیاست مستقلی از امریکا را در پیش بگیرد، خواه نتانياهو نخست وزیر باشد، خواه هر فرد دیگری؛ وضعیت وخیم اقتصادی، امنیتی و معیشتی این رژیم عملاً اجازه چنین کاری را نخواهد داد. با این حال پوتین تلاش کرد تا همانگونه که با بن سلمان، بن زاید و اردوغان به عنوان متحدان امریکا و عضو ناتو برخورد کرده و نوعی سیاست موازنه را با آنها برقرار کند، در این زمینه نیز نتانياهو را به سمت خودش جلب و جذب کند، اما این مساله به هیچ عنوان قابل انجام نیست و رژیم صهیونیستی عددی نیست که بخواهد برخلاف خواست امریکا کوچک ترین حرکتی کند. پوتین هم این مساله را می داند، اما سیاستمدار است و باهوش و می داند که باید از فرصت ها به بهترین شکل ممکن استفاده کند و این هم یک فرصت بود. بنابراین با این نگاه باید گفت که روسیه در میان متحدان غرب و امریکا دیگر نمی تواند جای پای خود دست و پا کند. اما همزمان با تماس تلفنی پوتین با نتانياهو، رئیس سازمان جاسوسی و آدمکش این رژیم اظهاراتی کرد که نشان می دهد نتانياهو تا چه اندازه دچار مشکل در ساختار امنیتی خود است دیوید بارنت با تکرار ادعای غرب مبنی بر حمایت نظامی ایران از روسیه در جنگ اوکراین گفت که اسراییل اطلاعاتی دارد که نشان می دهد ایران برنامه دارد به زودی ارسال محموله های «تسلیحات پیچیده» به روسیه را «گسترش دهد». بارنت همچنین تایید کرد که اسراییل درباره تحویل اخیر تسلیحات به روسیه از سوی ایران، اطلاعاتی را در اختیار متحدانش قرار

داده است.

این اولین پیام امریکا به نتانياهو بود که نشان می دهد ساختارها تعاریف بسیار دقیقی دارند و به سادگی قابل تخریب نیستند. آن روزگاری که نتانياهو پس از هر اتفاق کفشش را پا می کرد و راهی مسکو می شد و با پوتین بساط گفت و گوی چند ساعته و مباحث دیگر را برگزار می کرد گذشت و این را خود نتانياهو هم بهتر می داند، اما او هم می خواهد بازی خودش را داشته باشد و به پوتین مانند اردوغان نیاز دارد تا مقابل دولت امریکا به اندازه حرکت یک سرباز در عرصه شطرنج سیاست برای خودش دست به فرصت سازی بزند. هم پوتین و هم نتانياهو هر دو می دانند که دیگر روابط مانند گذشته نخواهد شد و نتانياهو هم دیگر نمی تواند سرش را زیر بپردازد و بابت هر اتفاقی به مسکو برود. در حوزه اقتصادی هم با توجه به تحریم های گسترده روسیه، همین اقتصاد نیم بند صهیونیست ها دیگر نمی تواند روابط حداقلی را هم با روسیه داشته باشد. نتانياهو تا همین دو سال پیش که نخست وزیر بود تحت فشار امریکا ناچار شد روابط با چین را مدیریت کند که در دوره نخست وزیری بنت و لاپید عملاً این روابط به کمترین سطح خود در طول سال های گذشته و شاید هم چند دهه گذشته رسیده باشد. در حالی که رژیم صهیونیستی خواهی نخواهی به

عنوان متحد امریکا و ناتو بخشی از بازی ضد روسی در اوکراین است و کمک های تسلیحاتی و مهم تر از همه، امنیتی و اطلاعاتی این رژیم به شکل گسترده ای راهی اوکراین می شود و صدها صهیونیست در کنار نظامیان ناتو دارند علیه روسیه می جنگند، سخن گفتن از روابط راهبردی میان مسکو و تل آویو بیشتر یک شوخی رسانه ای است. سطح بازی در میدان سیاست جهان بسیار پیچیده و سخت شده و تحلیل این روابط بر مبنای رویدادهای قدیمی باعث بروز نتایج اشتباه خواهد شد. در همین زمینه هم باید گفت، اگر قرار باشد روابط ترکیه با ناتو و روسیه به همین شکل ادامه پیدا کند، هر کسی بهار سال آینده در آنکارا قدرت را به دست بگیرد، ناچار به انتخاب می شود. بر همان مبنایی که پس از حمله روسیه به مواضع ناتو در اوکراین نوشتم، هیچ کشوری نمی تواند در نزاع فعلی بی طرف بماند. همه باید اعلام موضع کرده و در یک سمت بازی قرار بگیرند. در حالی که رژیم صهیونیستی بخشی از بازی غرب در آسیای غربی است، روابط ایران و روسیه روز به روز ابعاد بیشتری می گیرد. روس ها این مساله را می دانند و همین الان روابط تجاری ایران و روسیه بیش از روابط روسیه با اسرئیل است. با گذشت زمان متوجه درست بودن این تحلیل و گفتار خواهید شد.